

پرتاب‌های فلسفه

محمد مهدی اردبیلی



فهرست

ایده پرتاب ۹

بخش اول: مختصات پرتاب

انسداد	۱۸
نقدِ رادیکال	۲۰
خلقِ متن	۲۶
نقدِ درون‌زا	۳۱
حیاتِ متن	۳۵

بخش دوم: نیروی پرتابه

فیلسوف در بحران	۴۰
اندیشیدن به اکنون	۴۵
قدیس مآبی متفکر	۴۹
روشنفکرِ مردمی	۵۲

بخش سوم: زاویه پرتاب

۵۶	وسوسه خوردن
۵۸	معصومیت کودکانه
۶۰	ترس از تاریکی
۶۴	نفرین شدگان
۶۶	هیولای گیوتین
۶۹	زلزله

بخش چهارم: پرتاب

۷۶	عشق
۸۱	پدر
۸۳	سفر
۸۷	جنازه
۹۴	سنگ قبر
۹۶	مرگ
۹۹	سوگواری
۱۰۲	تعهد فیلسوف
۱۰۶	سکوت

۱۱۱	منابع
-----	-------	-------

آیا واقعاً این خالق متن است که متن را تولید می‌کند؟ پاسخ این پرسش هم مثبت است هم منفی. در یک سطح، متن محصول خالق آن است. خالق متن دقیقه‌ای (یا کانونی) از جهان است که متن یا اثر از بطن آن برمی‌آید. اما از طرف دیگر، روشن است که خود خالق متن چیزی را از خلأ درونی خویش خلق نمی‌کند. او فقط آنچه را از جهان گرفته است در کانون خویش تغییرشکل می‌دهد و به متن بدل می‌کند. مسئله این است که او فقط داده‌های حسی‌اش را از جهان نمی‌گیرد، آن‌گونه که مثلاً مشهور است هنرمند از محیط اطراف یا نویسنده‌ای از تجاربش الهام می‌گیرد، بلکه خالق یک اثر خودش را، بدنش را، ذهنش را نیز از جهانش گرفته و خود مطلقاً محصول است. در این معنا، خالق اثر هم محتوایش را از بیرون می‌گیرد هم خود خالقیتش را. او هرچند خالق و مالک است، اما مالکی موقتی و خالقی فرضی است. او نه تنها هیچ ندارد، بلکه از حیث استقلال منفکش از جهان خود هیچ نیست. او صرفاً مجموعه‌ای از عناصر یا نیروهایی است که چند صباحی در پیوندی موقتی و وحدتی گذرا به سر می‌برند و هویت و نامی برای خود دست‌وپا می‌کنند و چند صباح دیگر هم فرومی‌پاشند و دود می‌شوند و به هوا می‌روند و در نتیجه خود او نیز مانند آثارش در جهان پراکنده می‌شود. در یک کلام، فرایند خلق متن یا اثر، چیزی نیست جز نوعی تجلی (متن) ناشی از گرد آمدن جهان درون کانونی فرضی و موقت بر ساخته خود این جهان (من).

پس خالق متن نه مالک متن است، و نه حتی حقیقتاً خالق آن. در برابر خالق در مقام هویتی موقتی که دیر یا زود فرومی‌پاشد، این متن است که ماندگار می‌شود و حتی شاید نام خالقش را، خاطرۀ هویت موقتی را که او بوده، ماندگار سازد. در این معنا، این متن است که مالک و خالق خالق است و به او معنا و هویت ماندگار می‌بخشد.